

نگاه
هم‌میهن

تبعات آتشی که اسرائیل به پا کرد

تنش بالقوه نظامی در سراسر منطقه و فروپاشی دیپلماسی هسته‌ای بین ایران و آمریکا



عکس: آرش خا موشی، هم‌میهن

طبیعی است که ایران تنش را به‌عنوان یک تهدید موجودیتی خواهد دید و برای دفاع از خود ممکن است در منطقه نیز دست به اقداماتی بزند.

علاوه براین در چنین شرایطی ممکن است نیروهای مورد حمایت ایران در منطقه نظیر حوثی‌ها و شبه‌نظامیان عراقی در عملیات‌های نظامی نمادین علیه اسرائیل شرکت کنند، هر چند، درست مانند ایران، با توجه به فاصله گرفتن واشنگتن از این حملات، بعید است که به صورت منطقه‌ای علیه اهداف آمریکایی اقدامی صورت دهند و بعید است که ایران تنگه هرمز را ببندد. اگر هرگونه حمله آینده اسرائیل بخش حیاتی ایران را هدف قرار دهد، این امر محتمل‌تر خواهد شد.

▼ تأثیر بر مذاکرات هسته‌ای

بدون شک، حملات اسرائیل به ایران موضع ایران در هرگونه مذاکره‌ای که قرار باشد در آینده با ایالات متحده برگزار شود، سرسختانه‌تر خواهد کرد و هر پیشرفتی هم که تاکنون ممکن است حاصل شده باشد، به صفر میل خواهد کرد. در چنین شرایطی دستیابی به هر گونه توافقی در کوتاه‌مدت بعید می‌نماید. علاوه براین دینامیک‌های سیاست داخلی در ایران نیز دچار تغییر خواهد شد و آن دسته از طیف‌های سیاسی که همواره با بدبینی به مذاکرات هسته‌ای می‌نگریستند، صدایشان راس‌تر خواهد شد.

در هر صورت اسرائیل با اقدامی که صورت داده ایران را مجبور به واکنش کرده و این زد و خوردها روند دیپلماسی را اگر دچار فروپاشی نکند، حداقل بسیار پیچیده خواهد کرد؛ حتی اگر بپذیریم که آمریکا هیچ نقشی در حمله اسرائیل نداشته است که اینطور نیست.

این تنش در سیاست داخلی آمریکا نیز اثرگذار خواهد بود. در چنین شرایطی کنگره و سنای آمریکا از لزوم حمایت آمریکا از اسرائیل سخن خواهند گفت و هرگونه مذاکره‌ای با ایران در این شرایط را به مثابه دادن امتیاز به ایران تلقی خواهند کرد. علاوه بر این در صورتی که در روزهای آینده حملات اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران ادامه یابد و در صورتی که آمریکا به این نتیجه برسد که خسارت قابل توجهی به تأسیسات هسته‌ای ایران وارد شده، شاید واشنگتن علاقه‌اش به مذاکره با ایران را از دست بدهد؛ با این استدلال که برنامه هسته‌ای ایران حداقل برای مدتی عقب‌گرد داشته، بنابراین نیازی نیست در مذاکره با ایران امتیازی به ایران داده شود.

گذشت. این حملات نیت عمیق‌تری از اهداف احتمالی اسرائیل را آشکار می‌کند. در نخستین گام اسرائیل به دنبال ایجاد اختلال در فرماندهی و کنترل نیروهای مسلح بوده است که البته این هدف با انتصاب سریع‌تر جانشینان برای افراد ترور شده، تحقق نیافت. اسرائیل این رویه را در خصوص حماس و حزب‌الله آزموده بود؛ بنابراین تلاش کرد تا با این اقدامات مستقیماً ساختارهای فرماندهی و کنترل ایران را تضعیف کند. هدف بعدی اسرائیل ایجاد سردرگمی، بی‌نظمی و اختلاف داخلی در ساختارهای تصمیم‌گیری ایران بود.

در طول جنگ‌های سال گذشته بین اسرائیل، حماس و حزب‌الله، ارتش اسرائیل با حذف رهبران ارشد این گروه‌ها، بر تضعیف ساختار فرماندهی و کنترل و قابلیت‌های عملیاتی آنها تمرکز کرد و موفق شد به نسبت ظرفیت آنها را برای تلافی مؤثر در طول درگیری‌هایشان تضعیف کند.

اعلام نتایج‌های مبنی بر اینکه این عملیات ممکن است بیش از یک روز طول بکشد، به این معنی است که حملات بیشتری علیه برنامه هسته‌ای و قابلیت‌های نظامی ایران انجام خواهد شد که انتقام ایران را علیه پایگاه‌های نظامی اسرائیل، بلکه ساختمان‌های دولتی و فرماندهی نظامی آن، در پی خواهد داشت. علاوه بر این، با توجه به اینکه اسرائیل به سازه‌های غیرنظامی در ایران حمله کرده است، تهران احتمالاً زیرساخت‌های اسرائیل، از جمله فرودگاه بن‌گوریون در نیز هدف قرار خواهد داد. این امکان نیز وجود دارد که ایران دست به اجرای عملیات‌های مخفی در خارج از اسرائیل علیه اهداف، سفارتخانه‌ها و مقامات اسرائیلی بزند. به هر صورت همه شواهد گواه این است که ایران با قدرت پاسخ خواهد داد اما به‌طور طبیعی در درگیری‌ای نیازمند اندیشیدن استراتژی خروج است.

بنابراین انتظار می‌رود ایران نیز به چنین موضوعی اندیشیده باشد. در چنین سناریویی ایران تلاش خواهد کرد تا آنجا که ممکن است از تشدید تنش با ایالات متحده خودداری کند. علاوه بر این، با توجه به اینکه تا به اینجای کار کشورهای عربی خلیج فارس حمله اسرائیل به ایران را محکوم کرده‌اند بعید است ایران حداقل در شرایط فعلی، دست به اقداماتی نظیر هدف گرفتن زیرساخت‌های نفتی و گاز کشورهای عربی، بستن تنگه هرمز و یا هدف گرفتن پایگاه‌های آمریکایی در منطقه کند اما اگر تنش در روزهای آینده به شدت افزایش یابد و اسرائیل دست به اقداماتی نظیر هدف گرفتن زیرساخت‌های بسیار حساس نفت و گاز و یا ترور مقامات سیاسی کند، در چنین شرایطی



آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی و بین‌الملل

حملات بی‌سابقه اسرائیل به زیرساخت‌های هسته‌ای و نظامی ایران، نشان‌دهنده عزم جدی اسرائیل برای تشدید عملیات تنش، با هدف تضعیف قابلیت‌های هسته‌ای و فرماندهی نظامی ایران بود. همانطور که انتظار می‌رفت ایران پس از خارج شدن از شوک این حمله، استفاده موفق از پدافند را آغاز کرده و در ادامه نخست دور حملات تلافی‌جویانه به اسرائیل را صورت داد. پاسخ ایران به اسرائیل، اگر چه به لحاظ تعداد موشکی که شلیک کرد، تقریباً شبیه به حمله وعده صادق ۲ بود، اما به وضوح از آن موفق‌تر عمل کرد. ایران با استفاده از سرجنگی سنگین‌تر برای موشک‌ها و استفاده از موشک‌های پیشرفته‌تر و همچنین انگیزه بیشتر و دست بازتری که در اجرای این عملیات داشت، توانست ضربات مهلک‌تری به اسرائیل وارد کند.

از تبعات آغاز تنش توسط اسرائیل می‌توان به احتمال گسترش درگیری به سطح منطقه و فروپاشی مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا حداقل در کوتاه‌مدت اشاره کرد. درگیری ایران و اسرائیل باعث نوسانات اقتصادی جهانی شده و قیمت نفت را ۱۰ درصد افزایش داده، معاملات آتی سهام ایالات متحده را کاهش داده و طلا را به بالاترین رکورد قیمتی خود رسانده است.

اما از شواهد پیداست که این حمله اسرائیل به هیچ‌عنوان یک حمله معمولی نبوده است. باید هوشیار بود و به این نکته توجه کرد که اسرائیل در این حمله نه تنها برنامه هسته‌ای و زیرساخت‌های نظامی ایران را هدف قرار داد، بلکه به نوعی تلاش کرد سیستم را نیز هدف قرار دهد.

هدف قراردادن سایت‌های غنی‌سازی هسته‌ای مانند نظنز، خنداب و خرم‌آباد نشان می‌دهد که اسرائیل به دنبال عقب‌راندن زمان گریز هسته‌ای ایران بوده است. هدف قراردادن دانشمندان هسته‌ای نیز با این قصد انجام شده که ایران در حوزه تخصص هسته‌ای تضعیف شود. اسرائیل با این تروها قصد داشت تا قابلیت‌های بلندمدت فنی کشورمان را در صنعت هسته‌ای کاهش دهد و اجازه ندهد ایران بتواند در کوتاه‌مدت تأسیسات هسته‌ای خود را بازسازی کند.

اما هدف قراردادن فرماندهان ارشد سپاه پاسداران و ستاد کل نیروهای مسلح، موضوعی است که نباید با کم‌توجهی از کنار آن

آینده هسته‌ای ایران تغییر خواهد کرد

سیدحسین موسویان مذاکره‌کننده هسته‌ای اسبق و دیپلمات پیشین درباره حملات اسرائیل به ایران و ترور فرماندهان نظامی و پاسخ ایران به این اقدام اسرائیل در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) با عنوان «۱۰ نکته در مورد جنگ اسرائیل علیه ایران» نوشت:

۱ تجاوزات نظامی اسرائیل به ایران، دقیقاً یک روز بعد از مهلت دومانه ترامپ به ایران در مورد مذاکرات هسته‌ای آغاز شد!

۲ این تجاوز نقض صریح منشور سازمان ملل و همه‌تروها و مقررات بین‌الملل است که تنها با بیانیه‌های محکومیت توسط کشورهای عضو سازمان ملل، قابل جبران نیست و نخواهد بود.

۳ اسرائیل برنامه حمله به ایران را از قبل با سران ناتو هماهنگ کرد و با چراغ سبز آمریکا و ناتو، جنگ علیه ایران را آغاز کرد. لذا ناتو عملیات دفاع از اسرائیل در مقابل اقدامات متقابل نظامی ایران را برعهده دارد. در این جنگ، عملاً ناتو به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با ایران درگیر شده است.

ایران شب گذشته با حمله به ساختمان کریه نشان داد، همه خاک سرزمین‌های اشغالی در دسترس است.

۴ از زمان آغاز مذاکرات هسته‌ای با ایران در سال ۱۳۸۲، اسرائیل به‌دنبال شکست این مذاکرات، نابودی تأسیسات هسته‌ای ایران و کشتادن آمریکا و ناتو به جنگ با ایران بود.

۵ در سمیناری در سال ۲۰۱۱، یکی از رؤسای پیشین سازمان اطلاعاتی موساد خطاب به سفیر وقت ایران در آژانس گفته بود که «طرف اصلی شما در مذاکرات هسته‌ای، اسرائیل است نه کشورهای ۵+۱». موفقیت اسرائیل به شکست رساندن مذاکرات هسته‌ای، بی‌اعتباری گروه کشورهای ۵+۱ را نشان داد.

۶ حمله نظامی اسرائیل، بزرگ‌ترین عملیات نظامی علیه ایران بعد از جنگ جهانی دوم و تجاوز صدام به خاک ایران است. صدام از حمایت ناتو، قدرت‌های شرق و کشورهای عربی برخوردار بود و نهایتاً شکست خورد. قدرت‌های بلوک شرق و کشورهای عربی در جنگ فعلی علیه ایران، همراه با اسرائیل و ناتو نیستند.

۷ حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران، حمله یک کشور دارنده بمب هسته‌ای به یک کشور غیردارنده است. این واقعیت، بی‌خاصیت بودن معاهده ان‌بی‌تی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را آشکار کرد. به‌ویژه اینکه حمله نظامی اسرائیل، علت و ماهیت قطعنامه غیرحقوقی چند روز قبل علیه ایران را بر ملا کرد.

۸ حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، استراتژی آینده هسته‌ای ایران خواهد داشت. در حقیقت ناتو، اسرائیل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، زمینه این تغییر استراتژی را فراهم کردند.

۹ هدف اصلی اسرائیل از جنگ ترکیبی جدید علیه ایران، تغییر رژیم، ایجاد بی‌ثباتی و هرج‌ومرج و حتی تجزیه ایران است. نتیجه این جنگ تأثیر مهمی بر سرنوشت معادلات آینده در خاورمیانه خواهد داشت.

۱۰ آمریکا و ناتو با چراغ سبز به اسرائیل، مرتکب خطای استراتژیک بزرگی شدند. سرنوشت این جنگ، تأثیر مهمی بر معادلات و نقش قدرت‌های بلوک شرق و غرب در خاورمیانه خواهد داشت.

